بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 15 اسفند 1390.

بحث سر وجوه مختلفی که مرحوم شیخ ذکر کرده بودند برای مخالفت عامه. مرجّحیت مخالفت عامه به چه جهت است. وجه سومش این بود که نفس مخالفت عامه مطلوبیت داشته باشد. یکی از روایاتی که می شود بر آن تمسک کرد بر این جهت این روایت هست.

و اما قوله في صحيحة إسماعيل‏ بن‏ بزيع‏: «إذا رأيت الناس يقبلون على شي‏ء فاجتنبه»

که مرحوم امام این را آورده اند و فرموده اند که

يدل على ان إقبالهم على شي‏ء و إصرارهم به يدل على بطلانه و لا ربط له بما نحن فيه، و لو فرض إطلاقه فلا بد من رفع اليد عنها لعدم الفتوى على طبقها، و على أي حال لا إشكال في ان مخالفة العامة من مرجحات باب التعارض.

ایشان البته برای این جهت بحث نکرده اند. بحث ایشان این است که اساسا آیا عدم مخالفت عامه و عدم اصرار عامه بر یک فتوا جزو شرایط اصل حجیت هست یا نیست؟ بحثش را اینگونه دنبال می کنند که ممکن است شخصی بگوید که اصلا چیزی که عامه با آن موافق هستند شرط حجیت را دارا نیست. مرحوم امام در پاسخ می خواهند بفرمایند که این ناظر به این است که آن چیزی که عامه به آن اصرار دارند. عامه به عنوان کأنه یک شعار برای خودشان قرار می دهد آن شعار قرار دادنشان شارع آن را دلیل بر بطلان قرار داده است و به اینکه مجرد فتوای عامه بر طبق یک روایت ولو فتوای او به نحو اصرار و اقبال عملی نباشد، آن نسبت به او دلیل نیست. ولی حالا من صرف نظر از آن مفاد ابتدایی که هست این را به عنوان مؤید اینکه مخالفت با عامه می تواند موضوعیت داشته باشد. اگر اصل روایت را ببینیم که این روایت یک مقداری اصلا مهم تر می گوید اصل روایت را در تهذیب وارد شده است. جامع الاحادیث را بیاورید. روایت این است حالا در کلام مرحوم امام یک سهو اللسانی رخ داده است صحیحه اسماعیل بن بزیع تعبیر فرموده اند حالا صحیحه محمد بن اسماعیل بن بزیع است حالا یا غلط چاپی است یا سهو اللسان است.

سَأَلْتُ الرِّضَا ع عَنْ صَلَاةِ طَوَافِ التَّطَوُّعِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَقَالَ لَا فَذَكَرْتُ لَهُ قَوْلَ بَعْضِ آبَائِهِ إِنَّ النَّاسَ لَمْ يَأْخُذُوا عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع إِلَّا الصَّلَاةَ بَعْدَ الْعَصْرِ بِمَكَّةَ فَقَالَ نَعَمْ وَ لَكِنْ إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يُقْبِلُونَ عَلَى شَيْ‌ءٍ فَاجْتَنِبْهُ فَقُلْتُ إِنَّ هَؤُلَاءِ يَفْعَلُونَ قَالَ لَسْتُمْ مِثْلَهُمْ

آن جوری که بدوا از این روایت استفاده می شود می گوید با وجودی که این مطلب درست است و مطابق واقع هم هست ولی چون این را عامه کأنه شعار خودشان قرار داده اند و اصرار دارند بر آن مطلب شما دیگر باید آن را کنار بگذارید و قبولش نکنید. این اینگونه که ابتدائا ممکن است روایت اینگونه فهمیده شود که خب مؤید این است که مخالفت با عامه می تواند موضوعیت داشته باشد. البته همچنان که مرحوم امام فرمودند این در جایی است که یقبلون علی شیء. مجرد موافقت با یک فتوا اقبال صدق نمی کند. اقبال یک نوع اصرار و تأکید عملی در آن خوابیده است. ولی آیا واقعا همین مطلب هم همین جور است اگر فرض کنید سنی ها مقیّد هستند که نماز خود را جماعت بخوانند. واقعا هم تقید به نماز جماعت دارند. شما دیگر حالا تجتنبه دیگر نماز جماعت نخوانید؟

سؤال:

پاسخ: شعار بودن به چه معنا است؟ یقبلون علی شیء به عنوان یک شعار اینجا مطرح نیست.

آیا واقعا همین جور است که هر چیزی که آنها اصرار به عمل به آن داشته باشند دیگر نفس اصرار به عمل باعث می شود با وجود اینکه مطابق واقع است، آن بحث های قبلی این بود که ما می گفتیم که یک شیئی که نمی دانیم مطابق واقع هست یا نیست در فرضی که انسان نداند شارع حسن مخالفت را ضمیمه کرده است برای اینکه تقویت کند آن جهت اماریت ذاتی خبر مخالف عامه را تا آن مطلب ولی اینجا فرض این است که قطعا مطابق واقع نیست. بحث احتمال و اماریت و اینها نیست. ولو مطابق واقع است چون آنها انجام می دهند شما دیگر ترکش کنید. مرحوم مجلسی عبارت را یک معنای دیگری کرده است که قبل از ایشان مرحوم فیض در وافی هم همین جور معنا کرده است ولی عبارت مرحوم مجلسی در مرآه العقول عبارت خیلی روشن تری هست. حالا کل روایت را حالا متن کامل روایت را من،

مرحوم مجلسی حالا قبل از اینکه بحث مرحوم مجلسی را بگویم آن این است که صلوه بعد العصر، خارجا الآن هم اینگونه است از جهت فتاوای اهل تسنن هم اینگونه است. هیچ کس بعد از عصر نماز نمی خوانند. این که یقبلون علی شیء یعنی چه؟ نماز بعد از عصر، کسی نماز بعد از عصر نمی خواند. این یک سیره مستمره ای بوده است که روایت چه می خواهد بگوید. الی الصلوه بعد العصر حالا روایت را باز کنید. عن صلوه طواف التطوع بعد العصر. نماز طواف مستحبی بعد از عصر را حضرت فرموده اند که انجام نده. صلوه بعد از عصر به مکه را ایشان اگر مراد این است که اینها مقید هستند که انجام دهند همچین تعهدی نه خارجا است و نه فتوای آنها بر طبق این است. پس این چیست؟ این مرحوم مجلسی معنایی که می کند با توجه به این مطلب خارجی که وجود دارد حالا با توضیحاتی که من عرض می کنم ببینید اینکه می گوید

إِنَّ النَّاسَ لَمْ يَأْخُذُوا عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع إِلَّا الصَّلَاةَ بَعْدَ الْعَصْرِ

در مقام اطلاق مستثنی منه است. می خواهد بگوید که غیر از صلوه بعد از عصر هیچ چیز دیگری نگرفته اند. اما صلوه بعد از عصر را همه به آن عمل می کنند آن نمی خواهد بگوید می خواهد بگوید که همان افراد اندکی که صلوه بعد از عصر را انجام می دهند به تبع امام حسن و امام حسین است. این معنایش این است که آن چیزی که جمهور آنها انجام می دادند، انجام نمی دادند. ولی عده ای از مردم بعد از عصر نماز می خواندند و می گفتند چون امام حسن و امام حسین این نماز را خوانده است ما هم می خوانیم. نماز مستحبی اصلا بحث نماز مستحبی است. که نماز مستحبی بعد از عصر خواندن در روایات ما مکروه دانسته شده است و آنها حرام می دانند و می گویند که باطل است. بعد آن ذیلش چیست؟ مرحوم مجلسی می گوید که یقبلون علی شیء، روایت را بیاورید ببینید ایشان می گوید که یقبلون علی شیء مراد این است که حساسیت دارد. می گوید که ولو اینکه بعضی از افراد بعد از عصر به مکه نماز می خوانند و این را هم مستند به امام حسن وا مام حسین قرار می دهند و می گویند که به امام حسین و امام حسن این رفتار را کرده اند پس ما هم انجام می دهیم. ولی به دلیل حساسیتی که سنی ها روی این مطلب دارند، شما این کار را انجام ندهید. یعنی تو شخصی. اذا رأیت الناس یقبلون علی شیئٍ. یقبلون را معنا می کند حساسیت داشتن و نسبت به آن مسئله توجه ویژه داشتن. یعنی حواسشان این است که آیا کسی این را انجام می دهد یا نمی دهد و امثال اینها. ادامه اش هم همین است. فقلت ان هؤلاء یفعلون. سنی ها انجام می دهند چطور سنی ها انجام می دهند مشکل ندارد من که انجام بدهم مشکل دارد؟ می گوید لستم مثلهم. میگوید تو با سنی ها فرق داری. سنی ها متهم به تشیع نیستند. سنی بودنش واضح است. ولی تو اگر بخواهی انجام بدهی می گویند که تو شیعه هستی. به خصوص من تصور می کنم که قضیه تا حدودی شخصیه هم هست. محمد بن اسماعیل بن بزیع وزیر بوده است و بحث تقیه در مورد این وزرا خیلی شدید است. اگر رفتاری می خواستند انجام دهند که شاعبه تشیع داشته باشد بیخ خرشان را می گرفتند. این اذا رأیت الناس یقبلون علی شیء فاجتنبه، اشاره به شخص محمد بن اسماعیل بن بزیع دارد. می گوید که آن چیزی که مردم نسبت به او حساس هستند و حواسشان جمع است تو انجام نده. چیزی که تو را به تشیّع مرمی می کند رمی به تشیّع

سؤال:

پاسخ: قطعا مراد همین است. نکته ای که وجود دارد یقبلون علی شیءٍ یعنی تجسس می کنند. چون بحثی که هست خارجا اقبالی مردم ندارند اصلا. آن موقع هم فتواهایشان اینگونه نیست. سنی ها همه محرّم می دانند. عده ای قلیل از آنها بحث صلوه بعد از لیل را جایز می دانند. بحث ایشان سر همین است می گوید که چون افراد قلیلی هستند که نماز بعد از عصر را می خوانند من هم اگر انجام بدهم می گویند تو هم یکی از آنها.

سؤال:

پاسخ: بحث تکتّف. بعضی از سنی ها تکتف نمی کنند ولی ما اگر نکنیم متهم می شویم. نسبت به ما حساس هستند. ولی نسبت به خودشان خب واضح است از قیافه اش پیدا است که شیعه نیست.

سؤال:

پاسخ: نه به انها ربطی ندارد بحث مالک و اینها بحث چیزی نیست. ولی بحث این است که در اشخاصی که متهم به تشیع هستند با افرادی که متهم به تشیع نیستند یکسان نیستند. این روایت همچنان که مرحوم مجلسی آن ذیل لستم مثلهم یعنی چه اصلا؟

سؤال:

پاسخ: صلوه بعد العصر مشروع هست. امام علیه السلام می گوید که اصلا نخوان. در روایت ما می گوید که صلوه بعد العصر کراهت یعنی اقل ثوابا مثلا

سؤال:

پاسخ: ببینید یک موقعی هست در مقام اطلاق در جانب مستثنی است. می خواهد بگوید که مردم صلوه بعد از عصر را از امام گرفته اند. خب کدام مردم؟ همه مردم یا بعضی از مردم؟ چون مشخص نیست اطلاق از جانب مستثنی اگر داشته باشد معنایش این است که همه مردم صلوه بعد از عصر را از امام حسن و امام حسین اخذ کرده اند. مراد از ناس قضیه مهمله نمی تواند باشد باید قضیه مطلقه مراد باشد. چون در مقام بیان نسبت به حکم مستثنی است. اگر نه، در مقام بیان نسبت به حکم مستثنی منه است. می خواهد بگوید که غیر از صلوه عصر چیز دیگری هیچ کس اخذ نکرده است. اما صلوه بعد از عصر را همه اخذ کرده اند یا بعضی ها اخذ کرده اند نسبت به او در مقام بیان حد و حدود نیست. خب اگر این باشد می تواند صلوه بعد از عصر مکه را بعضی هایش را نفی کرده باشد و خارجا هم همین است. این قرینه اینکه چون خارجا صلوه بعد العصر را اکثریت قاطعشان می گویند که حرام است. بنابراین دو وقت را نمازش را اشکال می کنند. یکی صبح ها بعد از نماز صبح تا آفتاب بالا بیاید و یکی بعد از نماز عصر تا نماز مغرب خورشید چیز شود. بین نماز عصر و استتار قرص. در روایات ما هم عرض کردم که از انجام نماز و امثال اینها نهی شده است.

سؤال:

پاسخ: نه همه اجتناب نمی کنند. عده معدودی از آنها عده کمی از آنها صلوه بعد از عصر را می خوانند استنادا به فتوای امام حسین و امام حسن.

سؤال:

پاسخ: آره دیگر ولی خارجا ما می دانیم که آن کسانی که به مشروعیت صلوه بعد العصر قائل هستند عده اندکی از سنی ها هستند. آن وقت یقبلون علی شیء نمی تواند به معنای اینکه یسرّون علی العمل به. خب هیچ وقت اصرار عمل به ان ندارند و نداشته اند. یقبلون علی شیء باید همین معنایی باشد که یعنی حساس هستند تحقیق می کنند که کسی انجام میدهد

الآن مهر گذاشتن مصداق یقبلون علی شیء است. من داشتم پشت نماز خب خیلی هم با دقت حواسم بود که مهر دیده نشود بالأخره دید و مهر را از من گرفت. با وجودی که تمام چیز من مهر می گذاشتم اما آنجا پشت مقام ابراهیم خیلی حساسیت بود. یعنی آنجا را جاهای دیگر را هیچ یقبلون علی شیء نبود آنجا یکی دو تا مأمور ایستاده بودند دقیقا نگاه می کردند که ما چه کار می کنیم. من به نظرم دو تا مهر هر دو مهر را آنجا از ما گرفتند. روی سنگ است اشکال خاصی ندارد می خواستم تربت دستم باشد.

سؤال:

پاسخ: بله به آن توجه دارند. عبارت مرحوم مجلسی را بیاورید. روضه المتقین را بیاورید که چه معنا کرده است. می گوید

اراد بذلک مقابله العامه فی انکار الصلوه بعد العصر و بعد القضاء

حالا این مقابله العامه هیچی توضیح نداده است که یعنی چه. حالا بیان مرحوم مجلسی را بیاورید. مرحوم مجلسی توضیح داده است خیلی عبارت را روشن. من عبارت مرحوم فیض را دیدم مرحوم وافی را دیدم یعن چه

خب بیایید حدیث 142 پایین

قوله عليه السلام: يقبلون على شي‌ء أي: على تجسس شي‌ء، فإنهم يتجسسون و يمنعون عن صلاة الطواف في ذلك الوقت، و ذلك علامة التشيع عندهم، قال: فإن العامة أيضا يفعلون، فقال: لستم مثلهم، لأنكم معروفون بالتشيع، فإذا فعلتم احتجوا عليكم، بخلاف بعض العامة، فإنهم يعلمون أنهم يوافقونهم في المذهب، كذا خطر بالبال، و الله أعلم بحقيقة الحال.

که ایاشن در واقع احتمالا عبارت وافی را هم ندیده است که اذا خطر بالبال چون عبارت وافی خیلی مندمج است. شاید هم دیده است و نفهمیده است و فکر کرده است که این مطلب باید چگونه باشد اینگونه و این منطلب کاملا درست است. یادم است حاج آقا این را مانده بودند که روایت را چگونه معنا کنند. چون روایت به حسب ظاهر اینکه یک مطلب واضحی که هست یادم رفته است ایشان در همین بحث صومشان هست یک جا به تناسب همین روایت را وارد شدند و چطوری توجیهش کردند الآن خاطرم نیست.

سؤال:

پاسخ: این روایت که می گوید اصلا حرام است آن را ترک کن. این چیزی که هست در واقع محمد بن اسماعیل بن بزیع قطعا باید ترک کند. وزیر بوده است وزیر های بنی العباس و اینها در شرح حالش هست. علی بن یقطین رییس دیوان چیز بوده است. یک دیوانی بوده است در زمان هارون الرشید دیوان ها تقریبا شبیه وزارت خانه های امروزی بوده است. دیوان های مختلفی داشته اند دیوان کتّاب، دیوان نمی دانم چی نمی دانم چی و یک دیوانی ناظر به اینها بوده است که مواظب بوده است که اینها در انجام وظایف خود کوتاهی نکنند. مسؤول دیوان ناظر علی بن یقطین بوده است. شبیه همین بازرسی کل. شبیه همین تعبیر چیز هست که خیلی چیز داشته است. به هر حال باید خیلی مورد اعتماد باشد.

سؤال:

پاسخ: اینها خانواده های محترمی بودند. حمزه بن بزیع عمویش نمی دانم

سؤال:

پاسخ: شیعه به معنای علاقه به اهل بیت اینها در خودش انگار چیزشان این بوده است که ادعا می کرده اند که ما به اهل بیت علاقه داریم و احترامات ظاهری می گذاریم. شیعه به معنای کسی که حق آنها را امام بداند. عملا بخواهند آنها را امام بدانند و فتوا را از ائمه اخذ کنند این یک معنای خاصی است. خود مأمون رفتاری که استدلالاتی که در مورد حبّ اهل بیت و امثال اینها دارد فوق العاده است. مناظراتی که با چیزها می کند یک مناظره ای در عقد الفریط دارد که خیلی جالب است که مأمون با چیزهای مختلف مناظره کرده است. ما مکه بودیم عموی ما این را نقل کردند بعد من هم آن را پیدا کردم در عقد الفریط مناظره ای که مأمون می کند یک موقعی اگر پیدا کنم به شما نشان بدهم

سؤال:

پاسخ: یادم رفته است الآن کلید واژه اش را. مأمون بزنید یک ذره بالا پایین کنید پیدا می کنید. خیلی زیاد ندارد.

سؤال:

پاسخ: نه اینگونه نیست. آنها الآن هم حساس هستند. الآن گاه گاهی نماز عصر آدم می خواند

سؤال:

پاسخ: نه اینها می گویند که نماز مستحبی اش را نباید بخوانید. طوافش را انجام بدهید نمازش را بگذارید بعد بخوانید. صلوه تطوع هم هست. صلوه تطوع اصلا نماز شرطش نیست. یعنی شرطش نیست که جزو چیزهایش نیست که حتما باید خوانده شود و امثال اینها. خب بگذریم. این است که این روایت به نظر می رسد که اصلا با توجه به این توضیحی که مرحوم مجلسی دادند اصلا ارتباطی به بحث ما ندارد. یک چیز دیگر است و بحث این است که در شرایط تقیه

بله این خیلی غلط انداز است.

سؤال:

پاسخ: بله بله این همان هست که می گویند فقه شیعه به منزله تعلیقه بر... هست این روایت خیلی خیلی روشن می کند که این روایت را انسان چگونه بفهمد. این کاملا مهم است مرحوم مجلسی به دلیل اینکه می داند که نسبت به صلوه طواف حساسیت در میان اهل تسنن هست. با توجه به عمل خارجی که اینجا اینها می دانستند. الآن هم خیلی حساس هستند. من یک موقعی حواسم نبود مشغول چیز بودم بغل دستی ام یک شیخ بود اول شروع یک قدری مؤدب و بعد شروع کرد چیز کردن و بعد می گفت از شما که روحانی هستید بعید است که سنت پیغمبر را ندانید. به همین جهت که من حواسم نبود یعنی می دانستم ولی یک قدری قرآن خواندم آن که تمام شد گفتم یک چند رکعتی هم نماز بخوانم. خسته شده بودم. شروع کردم نماز خواندن مؤدب اتفاقا برخورد کرد یک قدری اول گرم گرفت و بعد گفت که فحشش را داد! بله نماز عصر هم خیلی حساس هستند.

ببینید روایت بعدی را ببینید

و في صحيح علي بن يقطين قال سألت ابا الحسن عن الذي يطوف بعد الغداة و بعد العصر و هو في وقت الصلاة أ يصلي ركعات الطواف نافلة كانت أو فريضة؟ قال: ( (لا))

به خصوص این سؤالات مال کسانی هست که یک مقدار حساسیت های ویژه ای

؟؟؟

اینها می خواهند بگویند که در واجبات نیست در مستحبات است.

مَا رَأَيْتُ النَّاسَ أَخَذُوا عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع إِلَّا الصَّلَاةَ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ بَعْدَ الْغَدَاةِ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ

سؤال:

پاسخ: اگر این باشد یک مقداری روایت شاید مراد همان است ولی کأنه ممکن است این باشد که مردم می گوید چون نماز واجب را کسی نمی فهمد که نماز برای من واجب است یا مستحب است. می گوید که مردم نمازی که اینجا می خوانند در طواف ففریضه نمازش را هم بعدش می خوانند. چه کسی می فهمد که این نماز واجب است یا نماز مستحب است؟ کأنه می گوید اینکه

سؤآل:

پاسخ: او اگر این باشد یک مقداری باز روایت را می شود چیز کرد که می خواهد بگوید که کأنه آنها خیلی مشخص نمی شود که من شیعه هستم. چون ممکن است خیال کنند که طواف فریضه انجام داده ایم. البته طواف فریضه الزاما لازم نیست که با لباس احرام باشد. در عمره با لباس احرام است در حجش دیگر با لباس احرام نیست. نه طواف حجش و نه طواف نساء آن از لباس خارج شده است. پس بنابراین این جوری می خواهد بگوید که نه، وقتی آنها حساسیت دارند نسبت به این قضیه تو این کار را انجام نده.

سؤال:

پاسخ: نه آن هم صلوه بعد العصر المکه، آن مرادش این بوده است که صلوه فریضه و آن هم همین را می گوید

سؤآل:

پاسخ: نه آ« هم ممکن است بحث همین است. بحث همین فضایی که مرحوم مجلسی دارد. می گوید که صلوه بعد العصر مشکلی ایجاد نمی کند. مشکل تقیه ای ایجاد نمی کند چون مردم هم انجام می دهند. کما اینکه اینکه از روایات استفاده می شود که مردم انجام می دهند. می گوید که بله مردم انجام می دهند ولی تو انجام نده. به دلیل شرایط خاص او.

سؤال:

پاسخ: حضرت می فرماید بله همین جور است. مطلب درست است که این همین جور است. ولی اذا رأیت الناس یقبلون علی شیءٍ اینجا حساسیت وجود دارد. به دلیل حساسیتی که وجود دارد اجتناب کن.

سؤآل:

پاسخ: برای خودشان حمل به صحت می کنند می گویند که نماز طواف فریضه است. ولی شما را می گویند که این شیعه است نماز فریضه نیست.

حالا آن بنا بر اینکه آن روایتی که هست اینجوری گفته باشد. خب بگذریم.

و البته این در مورد خصوص محمد بن اسماعیل بن بزیع است که در شرایط تقیه زندگی می کرده است. من تصور نمی کنم مرادش به طور کلی باشد. می گوید که تو

سؤال:

پاسخ: نه یقبلون لشیءٍ صدق می کند ولی می خواهد بگوید که اگر مردم نسبت به مسئله ای حساس باشند، شما باید آنها را ترک کنید. یک افرادی هستند ما حالا یک مقداری آقازاده هستیم اینها را درک می کنیم. من یک موقعی رفته بودم فین کاشان بعد رفته بودم نمازخانه نماز بخوانم یک بنده خدایی اومده بود گفته بود فلانی رفته است فین کاشان. خیلی هم نماندم شلوغ بود آنجا. ما کارهایی که انجام دهیم نمی شود از چشم مردم پنهان بماند چون ما را می شناسند. به هر حال اینگونه است. شناخته شدن یک زمینه ای است برای اینکه رفتار های آنها زیر ذره بین هست و اشخاص نسبت به آنها حساسیت حالا یا مثبت یا منفی خیلی جنبه منفی قضیه نیست.

سؤال:

پاسخ: آن اسحاق بن عمار مثل علی بن یقطین و محمد بن اسماعیل بن بزیع که اینها وزیر بودند و امثال اینها، خب بگذریم.

برویم در بحثی که داشتیم توضیح می دادیم. بحث این بود که حالا وجه سوم را که گفتیم شاهد ندارد. از چهار وجهی که مرحوم شیخ ذکر کرده است. امر مردد است بین وجه دوم و وجه چهارم. ما دیروز یک تقریبی ذکر می کردیم که اصلا وجه دوم نامعقول است. و خواستیم بگوییم که اصلا مرجّح جمذمونی مرحوم شیخ تقسیم بندی هایی کرده است می گوید مرجّح دلالی و صدوری و جهت صدوری و مضمونی یک عنوان چهارمی به عنوان مرجّح مضمونی ایشان مطرح فرموده است. ما می گفتیم که این اصلا معنا ندارد. این باید بازگشت کند به یکی از مرجّحات دیگر. حالا این گذشت من می خواهم از آن حرفی که دیروز زدم برگردم یک توجیهاتی می شود این مطلب را کرد حالا آیا کلام شیخ را به تمامه بتوانیم با عرضی که می خواهم بکنم توجیه کنیم یا نشود ولی اصل اینکه ما مرجّحی به نام مرجّح مضمونی داریم و وجه دوم را می شود تصویر کرد، آن را می خواهیم بگوییم که نه، مانعی ندارد تصویر آن ولی باز هم ترجیح با وجه چهارم است که بحث آن را انشاء الله فردا ذکر می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد